

## سیاست دریایی ایران در سایه اقتدار در تنگه هرمز



کیومرث اشتریان

عملیات ایران در تنگه هرمز بار دیگر اهمیت جغرافیا را نشان داد. هرچند با این عملیات، دیدگان سیاست به دریا گشاده شد، اما هنوز باب «پارادایم شیفت» سیاست‌گذاری کلان را نگشوده‌ایم. توسعه دریامحور و ضرورت عملیات وسیع دیپلماتیک دریایی در نظام سیاست‌گذاری عمومی هنوز آنچنان که باید در پارگاه دیوان‌سالاری حکومت بالا نیامده است. در تاریخ تمدن بشری، مسیر قدرت جهانی پیرامون دریا شکل گرفته و تمدن‌های بزرگ در کنار رودخانه‌ها و دریاها پدید آمده‌اند. در ایران، هرچند اسناد سیاسی و تلاش‌های اجرایی گوناگونی صورت گرفته است، اما همچنان رنج کنج دریا را بر خود هموار نکرده‌ایم، پرده‌های امواج اقیانوس‌ها را نگشوده‌ایم و از حیث اثرگذاری بر اقتصاد و کسب‌وکار مردم و شکل‌گیری گفتمان عمومی سیاست دریایی شاهد غفلتی بزرگ هستیم. نفت علی‌رغم آنکه سرمایه‌ای بزرگ برای کشور ماست، خود یکی از عوامل این غفلت بوده؛ هنوز مُهر نفت بر کنجینه دریاست. این نوشته بازنویسی مقاله‌ای است که در میانه دهه ۸۰ شمسی و در جریان تدوین برنامه پنجم صنعتی نگارش یافته است. متأسفانه پس از گذشت دو دهه حکایت همچنان باقی است و عزمی جدی برای سیاست دریایی ایران مشاهده نمی‌شود. اقتدار نظامی ایران در تنگه هرمز دوباره موضوع سیاست دریایی را به کانون اندیشه می‌آورد. امید که این بار تنگه هرمز به‌مثابه قلب این سیاست، بتواند خونی تازه در شریان سیاست دریایی ایران پدید آورد. این سیاست دامنه‌ای وسیع از موضوعات امنیتی تا ساختارهای صنعتی و تجارت بین‌الملل را در بر می‌گیرد که نیازمند توسعه نهادی در سطح وزارت خارجه و تأسیس وزارت امور دریاهاست.

<b>یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۵</b> <p><b>۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۷</b></p> ۱۰ می ۲۰۲۶
<b>سال بیست‌ودوم</b>
<b>شماره ۵۳۸۱</b>
<b>۴۰ هزار تومان</b>
<b>۸ صفحه</b>

# روزنامه

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** آتش بس سه‌روزه در اوکراین • گرامیداشت محمودرضا بهمن‌پور؛ زندگی در میان مرگ • پیشنهاد انتقال نظامیان آمریکایی از آلمان به لهستان • اروپا به سینما نیاز دارد

**در شرایطی که کارشناسان دولت را به مدیریت ویژه در جنگ توصیه می‌کنند، فشار بر اختیارات قانونی دولت و وزارت اقتصاد بالا گرفته**

# سنگ بزرگ سهم خواهان

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۳ بخوانید

**گزارش «شرق» از خروج درختان شکسته جنگل‌های شمال ایران در بحبوحه جنگ و افزایش نگرانی‌ها درباره قاچاق چوب:**

# زخم تازه بر تن هیرکانی



این گزارش رادر صفحه ۵ بخوانیدعکس: مهمنی بوزیر ایران

### برگزیده‌ها

واکاوی آخرین وضعیت مذاکرات احتمالی ایران و آمریکا؛ آتش بس در آستانه پایان قطعی جنگ با فروپاشی؟

## پنجره نیمه‌باز صلح

مسیر به شدت شکننده است

## روزنه‌ای باریک برای صلح در لبنان

سیدحسن خمینی:

## کاسه داغ‌تر از آتش نباشیم

به مناسبت زادروز کارل مارکس؛مارکس و ایده ادبیات جهانی

## به یاد آوردن آینده

۷

جنگ رمضان و تیم کشوری ملل متحد در جمهوری اسلامی ایران؛

## از انتظارات عملیاتی تا نقد کارکردها

۲

### نگاه

## زلزله‌های نوادا و

### آزمایش‌های هسته‌ای آمریکا

یادداشتی از مهدی زارع

۸

### یادداشت

## اکنون

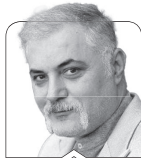


رامین خسروخاور

در دنیای این روزهای ما، «اکنون»، نه گذر است و نه قرار؛ نه می‌رود تا آینده‌ای بیافریند، نه می‌ایستد تا ثباتی ببخشد. در میانه‌ای بی‌نام و در تعلیق نفس می‌کشد؛ کوبی فرایند بر لبه‌ای نامرئی از حرکت خویش ایستاده باشد، جایی که نه بازگشت ممکن است و نه پیشروی مطمئن. زمان، از معادلات خطی روشن و رو به افق، فروگذاسته و به دایره‌ای سرنگشته بدل شده است؛ دایره‌ای که در آن، آینده در امتداد گذشته نیست! «اکنون»، بی‌آنکه به فرجام برسد، کش می‌آید و کش می‌آید. در این امتداد بی‌قرار، خود به وضعیتی بدل شده که در آن، ماندن از رفتن دشوارتر است. در چنین «اکنونی»، تصمیم نه استوار است و نه صریح. داده‌ها بسیارند، اما بی‌قرار؛ نشانه‌ها فراوان‌اند، اما بی‌هم‌نوا. هر تحلیل، هنوز به فرجام نرسیده، در میانه راه دگرگون می‌شود و هر برنامه، پیش از آنکه جامه عمل بپوشد، ناگزیر از تجدید و بازنویسی است. بدین‌گونه است که بنگاه‌ها در تعلیقی ناخواسته فرومی‌مانند؛ تعلیقی که از فقر اطلاعات برخاسته، بلکه از فرونی بی‌سامان و ناپایدار آن سر برآورده است. آری، دل چو پرگار به هر سو دورانی می‌کند! در این «اکنون»، معلق، نقدی‌نگی نخستین عرصه فرسایش است. سرمایه نه در حرکت است و نه در سکون؛ در حالتی میان این دو، حیران است. سرمایه‌گذار، در انتظار نشانه‌ای است که ظهور نمی‌کند و بنگاه، هزینه را نه بر مبنای قطعیت، بلکه بر مدار تردید می‌سنجد و می‌پردازد. بدین‌سان، جریان نقدی از طبع گردش افتاده و به تعلیق بدل شده است؛ تعلیقی خاموش که در صورت‌های مالی دیده نمی‌شود، اما در فرسایش سرمایه در گردش و تأخیر تعهدات، حضور خویش را آشکار می‌کند. هم‌زمان، افق برنامه‌ریزی نیز فروگذاسته است. آینده، در مه فرو رفته و دوردست‌ها از دسترس معنا بیرون افتاده‌اند. برنامه‌های بلندمدت، به میان‌مدت‌های کوتاه بدل شده‌اند و پروژه‌های توسعه، در آستانه آغاز یا در میانه راه، به تعویق فریادها کزایدند.

### یادداشت

# حیات در غیبت موازنه؛ آقای رئیس‌جمهور «استثنا» را تمام کنید



امرنیک‌روبان

روزنامه‌نگار

دیگر تعریف می‌شود. اما بحران زمانی پدید می‌آید که این دو منطق جابه‌جا شوند. وقتی ابزارها و شیوه‌های یک حوزه، بی‌واسطه به حوزه‌ای دیگر تعمیم داده می‌شود، به تعبیر اندیشمندان حوزه سازمان، «ناسازگاری نهادی» شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در آن منطق یک حوزه را در حوزه‌ای دیگر به کار می‌بریم و هر نهاد از جایگاه طبیعی خود خارج می‌شود و توازن حکمرانی فرومی‌یابد. در معماری حکمرانی، هر نهادی نقشی برعهده دارد. به عنوان مثال نهاد نظامی و امنیتی موظف است طبق ماهیت خود با منطق امنیتی برخورد کند؛ این کارکرد در جای خود نه‌تنها صحیح، بلکه حیاتی است. اما در سوی دیگر، دولت به‌عنوان متولی معیشت و اقتصاد و قوه مقننه و قضائیه به‌عنوان بانی و پاسدار قانون، باید نقش‌های خود را با همان صلابت ایفا کنند. برابند مطلوب

### یادداشت

# اقتصاد جنگی و حاکمیت دارایی نقدی؟



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

سرگردان به هر حوزه از اقتصاد ملی، دشواری‌های بزرگی در درجه اول برای آن بخش و در درجه دوم برای کل اقتصاد کشور بروز کرده است. هجوم این نقدینگی به بازار مستغلات موجب افزایش سریع قیمت مسکن شده است. گفتنی است سهم تقاضای سفته‌بازانه مسکن در شهر تهران از ابتدای دهه ۶۰ تاکنون از ۲۲ درصد به حدود ۸۰ درصد رسیده است. این تغییر بزرگ که نتیجه‌اش افزایش سریع جمعیت مستاجر بوده، نتیجه هنرنمایی تقاضای سفته‌بازانه ناشی از هجوم گسترده نقدینگی به بازار مسکن است. وجود نقدینگی سرگردان و انبوه در اقتصاد ملی همواره خطری بزرگ در مسیر رشد اقتصادی بلندمدت کشور ایجاد می‌کند. برهم‌خوردن آرایش بازار مسکن و حذف نیازمندان واقعی مسکن از این بازار تنها یکی از نتایج این وضعیت است و در همه حوزه‌ها می‌توان این اثر مخرب را بی‌جویی کرد و نمایش داد. اما بی‌تردید در شرایط جنگی و در وضعیتی

که سازمان تولید و اشتغال در کشور از فعالیت طبیعی خود بازمی‌ماند و از سوی دیگر نگرانی و تشویش شهروندان آرامش عمومی جامعه را تخریب می‌کند، اثر مخرب نقدینگی سرگردان بسیار پررنگ‌تر و هراسناک‌تر می‌شود. بدین‌ترتیب باید گفت اگر در شرایط صلح دولت ملزم به مدیریت دارایی‌ها و هدایت اقتصاد در مسیر تولید و سازندگی است و می‌بایست با دقت وضعیت نقدینگی سرگردان را رصد کرده و با تصویب و اجرای سیاست‌های سنجیده و برخدانه از گسترش آثار مخرب آن جلوگیری کند، این وظیفه در شرایط جنگی بسیار حساس‌تر و حیاتی‌تر خواهد بود. در کمتر از یک سال گذشته کشورمان دو بار مورد هجوم دشمن و تحمیل جنگ ظالمانه قرار گرفته و اینک بیش از دو ماه است که درگیر جنگ با بزرگ‌ترین ماشین جنگی جهان هستیم. در طول این دوره از یک سو با کمک و همراهی چشمگیر مردم که فقط یک جلوه آن بازگشت گروه کثیری از هموطنان به کشور در شرایط جنگی است که شگفتی ناظران جهانی را برانگیخت و از سوی دیگر با تدبیر خردمندانه دولت‌مردان معیشت شهروندان دچار اختلال جدی نشد و دولت اجازه نداد کمبود و کاهش عرضه مایحتاج روزانه زندگی شهروندان را تهدید کند. باین‌حال با مرور سیاست‌های ناکارآمد بوده و نیز توزیع نامتقارن آن بین اقشار مردم، دارایی‌ها و مهار دارایی‌های نقدی آن‌هم در شرایط جنگی را مشاهده کرد.

اداره کشور نه نظر صرف این بخش است و نه آن بخش؛ بلکه حیات ملی محصول تلافی و موازنه این نگاه‌های متفاوت است. نگاهی به تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که حتی در قلب بزرگ‌ترین جنگ‌های مدرن، کمتر دولتی شریان ارتباطی و معیشتی خود را برای چنین مدت مدیدی مسدود نگه داشته است. حتی اگر بپذیریم که در شرایط خاص، محدودسازی اینترنت می‌تواند به‌عنوان یک اقدام موقت مطرح شود، پرسش بنیادین این است که چرا پس از فروکش‌کردن وضعیت اضطراری، استثنا به قاعده تبدیل می‌شود؟

جورجیو آگامبن، فیلسوف معاصر، هشدار می‌دهد که بزرگ‌ترین خطر برای یک نظام سیاسی زمانی است که «وضعیت استثنائی» به رویه دائمی حکمرانی تبدیل شود. در این وضعیت، برای حفظ امنیت، بخشی از سازوکارهای عادی معلق می‌شوند، اما مسئله زمانی رخ می‌دهد که این تعلیق، پایانی نداشته باشد. آقای رئیس‌جمهور! وظیفه بوروکراتیک و قانونی شما این است که مرز میان «حظه بحران» و «روال عادی» را ترسیم کنید. وقتی بحران تمام شده اما محدودیت باقی است، ما دیگر با یک تصمیم شرایط ویژه روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک «خلا حکمرانی» مواجهیم. سکوت و همراهی دولت در این شرایط، نشانه برادری و هم‌فراقی نیست؛ بلکه به معنای لنگ‌کردن یکی از دو بال اصلی اداره مملکت است.

۵

ادامه‌در صفحه ۶

۵

ادامه‌در صفحه ۸

۸

۸